

درگرامیداشت یاد و خاطره جانفشاندگان سازمان " آن عاشقان شرزه، با شب نزیستند "



۲۵ اسفند، روز جانفشاندگان سازمان و روز تجدید پیمان با رفقای است که در راه آرمان های طبقه کارگر و برای آزادی و سوسیالیسم مبارزه کردند و جان، بر سر آرمان خویش نهادند. تجدید عهد با کمونیست هایی که در دو نظام استبدادی شاهنشاهی و جمهوری اسلامی برای نابودی ظلم و ستم و نابرابری و برچیدن بساط استثمار به پا خاستند و جان خویش را در این راه فدا کردند.

در دوران سلطنت محمد رضا شاه، کمترین نشانی در صفحه ۳

جمهوری اسلامی در منگنه سه گزارش

بشر سازمان ملل با محوریت افزایش اعدام در ایران به اعضای عضو این شورا ارائه شد. گزارش دوم، مربوط به عفو بین الملل است که روز چهارشنبه ۱۶ اسفند با محوریت افزایش سرکوب زنان در جمهوری اسلامی انتشار یافت. و سومین گزارش مربوط به «کمیتة حقیقت یاب سازمان ملل» است که این کمیته روز جمعه ۱۸

در فاصله روزهای دوشنبه ۱۴ اسفند تا جمعه ۱۸ اسفند، سه گزارش رسمی علیه جنایات و اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی توسط نهادهای زیر مجموعه سازمان ملل انتشار یافت. گزارش اول مربوط به جاوید رحمان، «گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران» است، که روز دوشنبه ۱۴ اسفند، در پنجاه و پنجمین نشست شورای حقوق

در صفحه ۵

بازنشستگان و ضرورت رزم مشترک

در صفحه ۱۰

چرا مذاکرات بر سر توقف جنگ در غزه به نتیجه نمی رسد؟

باگذشت ۵ ماه از تجاوز رژیم نژادپرست و توسعه طلب اسرائیل به غزه، فجایع و وحشیگری نظامیان اسرائیل همچنان ادامه دارد. آخرین گزارشها تا روز شنبه حاکی است که تعداد کشتهها در غزه به ۳۰ هزار و ۸۷۸، و تعداد مجروحان نیز به ۷۲ هزار و ۴۰۲ نفر رسیده است. فقر و گرسنگی جان دو میلیون

در صفحه ۷

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:
جمهوری اسلامی در مضحکه انتخاباتی شکست خورد!
مبارزه برای سرنگونی ادامه دارد!

در صفحه ۶

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
درباره کنفدراسیون کار

در صفحه ۹

سیل سیستان و بلوچستان و بی تفاوتی دولت دینی

"آب خوردن نداریم؛ سادترین نیازهای انسانی را نمی توانیم برآورده کنیم.... همه چیز تخریب شده؛ نمی دانیم غصه امروزمان را بخوریم یا برای فردا زانوی غم به بغل بگیریم... ما مانده ایم و بیارانه و دیگر هیچ..."

این است وضعیت سیلزدگان بلوچستان، پس از بارندگی هایی که در هفته دوم اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد و به سیلی خانمان برانداز بدل گردید. گرچه سیل از زمزمی "بلایای طبیعی" به شمار می رود، اما با اقدامات گوناگون می توان از دامنه خسارات انسانی، اقتصادی و محیط زیستی آن کاست. اقداماتی که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ جایی ندارند، نه پیش از وقوع سیل و نه پس از آن. یکی از نمونه های آشکار آن عکسی است که از سوی یکی از کارشناسان "تحقیقات زمین" در رسانه ها منتشر شده است. در این عکس وضعیت منطقه پس از سیل سال ۱۳۹۸ با وضعیت کنونی مقایسه شده است. این مقایسه نشان می دهد طی ۴ سال گذشته هیچ اقدامی برای مقابله با سیل در این منطقه انجام نگرفته است. به گفته این کارشناس: "چیزی که بسیار واضح است و با مقایسه تصاویر ماهواره ای این سیل با سیل دی ماه ۹۸، می توان به راحتی آن را استنتاج کرد این است که چاره مهار سیل در این منطقه به هیچ وجه سد سازی و مخزن آبخیزداری نیست... کارهای بسیار بنیادی در ارتباط با حفظ ساختار دشت سیلابی با رعایت قوانین حاکم بر آنها، اصلاح سازه های مهندسی مانند پل ها و جاده ها، افزایش ارتفاع آنها از سطح دشت سیلابی جهت کاهش ریسک، توسعه سطوح آبگیر و مدرنیزه کردن ساختارهای سنتی ذخیره آب در منطقه و اینگونه کارهای مشابه باید انجام شود."

نه تنها طی ۴ سال گامی در راستای پیشگیری از دامنه خسارات سیل به مردم این منطقه محروم برداشته نشده است، بلکه حتی روزهای پیش از سیل نیز چاره ای اندیشیده نشده است. پس از

در صفحه ۲

گزارشی از برگزاری تجمع و راهپیمایی ۸ مارس روز جهانی زن در آمستردام - هلند

در صفحه ۹

سیل سیستان و بلوچستان و بی تفاوتی دولت دینی



سیل، وزیر نیرو مدعی شد: "سدهای بزرگ جنوب استان نقش مؤثری در مهار سیلاب و کاهش خسارت‌ها... داشته‌اند." اما واقعیت گونه دیگری است. سد "زیران" با ظرفیت ذخیره‌سازی ۲۰۷ میلیون متر معکب در ۱۴۰ کیلومتری شمال شهر چابهار قرار دارد. اگر به هشدارهای اداره هواشناسی در هفته‌های قبل توجه می‌شد و بخشی از آب سد تخلیه می‌شد، بخشی از حجم بارش‌های اخیر کنترل می‌شد. اگر به مردم هشدار داده می‌شد، "می‌توانستند آذوقه لازم برای این چند روز ذخیره کنند." (به گفته یکی از فعالان محلی). گرچه آمار دقیقی از آسیب‌های انسانی در دسترس نیست و مسئولان مدعی‌اند سیل تلفات انسانی به دنبال نداشته است، اما بنا به گزارش‌های پراکنده بسیاری جان خود را از دست داده‌اند و حتی تخمین زده می‌شود بیش از ۱۰ هزار نفر صدمه دیده‌اند. اگر بلافاصله پس از وقوع سیل امکانات کشوری برای یاری‌رسانی به کار گرفته می‌شد، بسیاری از جان‌ها بود که نجات داده می‌شد. "اگر"هایی که در جمهوری اسلامی امیدهای واهی‌ای بیش نیستند.

به گواه شاهدان در روزهای اول هیچ اقدامی برای کمک به سیل‌زدگان انجام نگرفت. به گفته رئیس شورای اسلامی بخش باهوکلان، یک بالگردی بر فراز آسمان حاضر شد و رفت، پس از پرس و جو معلوم شد، "گویا یکی از وزرا یا مقامات استانی حضور داشتند، فقط در آسمان دور زدند و رفتند، اما متأسفانه حاضر نشدند پایین بیایند." گرچه بسیاری از مردم چشم‌امیدی به "کمک" مقامات رژیم ندارند، اما این "مسئولان" چندان درگیر بازی "انتخاباتی" مفتضحانه خود بودند که حتی فرصت نداشتند، به طور نمایشی در منطقه حاضر شوند. پس از چندین روز هم که سرو کله‌شان پیدا شد، نگاهی به وضعیت سیل‌زدگان انداختند، چند عکس برداشتند و رفتند. هرچند "دبدار" این مسئولان و بود و نبودشان هم تغییری در وضعیت مردم به وجود نمی‌آورد. اگر "مسئولان" رده بالا حتی فرصت حضور نمایشی در مناطق سیل‌زده نداشتند، اما زیردستان‌شان با صندوق‌های رأی در میانه درد و رنج مردم حاضر شدند، هرچند حاصلی جز برانگیختن خشم و تمسخر مردم به دنبال نداشت. پس از آن هم آمار مشارکت انتخاباتی استان سیستان و بلوچستان ۴۲ درصد اعلام شد! آن هم در شرایطی که تمام سران رژیم دریافته‌اند که دوران مضحکه‌ی "انتخاباتی" آنان سال‌هاست که به سر رسیده است. چندان که حتی تهدیدها و عجز و لایه‌های رهبر نیز چارمساز نبوده است. نه تنها مردمان استان سیستان و بلوچستان، بلکه توده‌های سراسر ایران سال‌هاست که رأی خود را علیه جمهوری اسلامی داده‌اند. آن هم نه در صندوق‌های رأی رژیم بلکه در خیابان‌ها. و آن "سرنگونی جمهوری اسلامی" است.

هیچ یک از این وقایع مانع از انتشار آمار دروغین "امدادرسانی" نشد. آمار است که از

بازسازی راه‌ها و "رفع مشکل آب و برق" و "آذوقه‌رسانی" منتشر می‌شود. در حالی که بسیاری از مردم حتی پس از گذشت ۱۰ روز، بدون آب و غذا در هوای سرد و بدون امکانات گرمایشی و سقفی بر بالای سرشان روزها را سپری می‌کردند، استاندار بلوچستان چند روز پس از سیل، مدعی شد: "روال زندگی مردم به حالت عادی بازگشته است." در حالی که حدود ۴۰۰ هزار نفر درگیر بحران سیل هستند، هلال احمر روز ۱۷ اسفند، حدود ۶ روز پس از سیل، اعلام می‌کند: "امدادگران هلال‌احمر تاکنون به ۲۸ هزار و ۲۰۶ نفر امدادرسانی کردند!" اگر حقیقت نیز داشته باشد، جز قطره‌ای در دریای بیکران رنج و آلام مردم سیل‌زده نیست.

در میانه سیل خبری از مسئولان جمهوری اسلامی نبود، این مردم محلی بودند که به سرعت به یاری یکدیگر شتافتند. سوخت‌بران بودند که با ماشین‌ها و قالیق‌های خود به یاری برآمدند. تعدادی از آنان نیز در جریان سیل مفقود شده‌اند. سوخت‌برانی که بسیاری از آنان حتی اگر از حوادث رانندگی و آتش گرفتن خودروها و گلوله مأموران جمهوری اسلامی نیز جان به در برند، در جریان سیل و سایر حوادث طبیعی جان خود را از دست می‌دهند. بلافاصله نیز، کمپین‌های مختلفی از سوی فعالان اجتماعی و مردم شهرها و استان‌های دیگر از جمله کردستان به راه افتاد. هرچند این امدادرسانی‌های پراکنده نشان‌گر همبستگی و عزم مردمی در یاری‌رسانی به یکدیگر است، اما مرهمی جدی بر زخم عمیقی نیست که این سیل بر جان و مال و منابع درآمد مردم وارد آورده است.

بنا به گزارش‌های رسمی تاکنونی خسارت مالی بین ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. ۱۹۴۷ روستا در این سیل آسیب دیده‌اند. بسیاری از روستائیان این منطقه از راه دامداری و کشاورزی درآمد خود را تأمین می‌کنند، اما بر اثر سیل، اکثر دام‌ها تلف شده‌اند و محصولات کشاورزی از بین رفته‌اند. آب و برق بسیاری از مناطق سیل‌زده، به ویژه روستاهای دور از دسترس، قطع شده است. خانه‌های مسکونی بسیاری تخریب شده‌اند.

پیش از این، نیز، مردم سیستان و بلوچستان روزگار را در شرایط زیستی وحشتناکی سپری می‌کردند که جمهوری اسلامی برایشان ساخته است. بنا به گزارشی در سال ۱۴۰۱، در حالی که نرخ فقر در کل کشور ۳۰ درصد است، در سیستان و بلوچستان به تنهایی این نرخ بیش از ۵۰ درصد است. به گزارش مرکز آمار، میانگین درآمد خانواده‌های روستایی این استان، ۵۵ / ۳ درصد کمتر از میانگین درآمد کل خانوارهای روستایی ایران است. این استان بالاترین نرخ بیکاری را در میان استان‌های ایران دارد. این استان صدرنشین آمار "بازماندگان از تحصیل" است. در تیر ۱۴۰۱، مدیر عامل "آب و فاضلاب" سیستان و بلوچستان مدعی شد که با ۲ درصد افزایش، شاخص بهره‌مندی روستائیان این استان به آب شرب به ۷۲ درصد رسیده است. با

وجود تردیدهای بسیار در صحت این آمار، حتی تکیه به این آمار نشان می‌دهد که نزدیک به ۳۰ درصد روستائیان سیستان و بلوچستان حتی پیش از این سیل به آب شرب سالم دسترسی نداشتند. این همه در حالی است که بسیاری از مردم بلوچستان حتی شناسنامه ندارند تا در آمار حتی به صورت رقم نیز در نظر گرفته شوند. در آن روی سکه، این استان یکی از بالاترین آمارهای اعدام و سرکوب را داراست.

مسئولان جمهوری اسلامی، اکنون مشغول آمارسازی و ابراز تأسف هستند، اما در واقع مقصران اصلی بسیاری از حوادث طبیعی، از جمله سیل و دامنه خسارات ناشی از آن، خود آنان هستند. آنان با تخریب محیط زیست، با بی‌اعتنایی به اقدامات پیشگیرنده، با دیرکرد در امدادرسانی، با ممانعت و سنگ‌اندازی بر سر یاری‌رسانی‌های مردمی با لاپوشانی واقعیت‌ها بر آسیب‌های مالی و جانی مردم می‌افزایند.

اگر بر این مجموعه، تبعیض‌های اقتصادی، ملیتی، مذهبی را نیز بیفزاییم، دیگر نمی‌توان آن را بی‌اعتنایی، بی‌کفایتی یا ضعف نامید؛ این سرکوب عامدانه و سیستماتیک چند میلیون جمعیت ساکن استان سیستان و بلوچستان است. مسئولان جمهوری اسلامی به جز آمارسازی و "ابراز تأسف"، این بار، نیز وعده‌هایی می‌پراکنند. وعده‌هایی که بارها در سایر نقاط کشور نیز ثابت کرده است، جز باد هوا نیستند. پس از این سیل نیز، هیچ اقدام جدی برای تخفیف مشکلات مردم سیستان و بلوچستان انجام نخواهد گرفت. این سیل منابع درآمد بسیاری از مردم، به ویژه روستائیان را نابود کرد. بسیاری حتی پولی ندارند تا نانی بخرند، خانه‌های گلی خود را بازسازی کنند، حداقل اسباب اولیه زندگی را تهیه کنند. آمار فقر، بیکاری و ترک تحصیل باز هم افزون‌تر می‌شود. بنا به نقل قولی: "نان فردا در تنور افتاده و کامل سوخته..."

سیستان و بلوچستان یک نمونه است، شاید از جنبه‌هایی یکی از دردناک‌ترین نمونه‌های شرایط زیستی توده‌های مردم سراسر ایران. شرایط زیستی که طاقت مردم را به سر آورده است و در برهه‌هایی به طغیان خشم و اعتراض انجامیده است. گفته شد امدادرسانی‌های مردم، نشانی است از همبستگی توده‌های مردم سراسر ایران. این همبستگی می‌تواند جلوه‌های دیگری نیز بیابد، که یافته است. همبستگی در سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی حکومتی برآمده از توده‌های مردم و در خدمت رفاه مردم. حکومتی که جز شکل شوراهای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نمی‌تواند به خود بگیرد.

درگرامیداشت یاد و خاطره جانفشاندگان سازمان " آن عاشقان شریزه، با شب نزیستند "

از آزادی های سیاسی ولو در حد کشورهای سرمایه داری نه غربی بلکه کشورهای سرمایه داری شرقی از نمونه هند و پاکستان هم وجود نداشت. دیکتاتوری عربیان، نقض آشکار حقوق دموکراتیک توده مردم و پایمال نمودن آزادی های سیاسی از مختصات نظام سرمایه داری حاکم بر ایران بوده است. از اینرو سازمان ما از همان آغاز موجودیت خود با سرکوب شدید و کشتار وحشیانه رژیم سلطنتی روبرو شد. وقتی تفنگ ها و شلیک گلوله های سرخ در جامعه ی شب زده و خفته سال ۴۹ در سیاهکل به غرش درآمد، وقتی رفقای ما در نبردی قهرمانانه پرچم مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآوردند، جزیره ثبات و آرامشی که شاه برای خود و طبقه حاکم برپا نموده بود، برهم خورد. رژیم شاه بی درنگ و با تمام قوا به سرکوب و کشتار رفقای ما دست زد. در یورش وحشیانه از زمین و هوا به رفقای ما در سیاهکل، دوتن از رفقا "مهدی اسحاقی" و "محمد رحیم سماعی" به خون غلطیدند. سیزده رفیق دستگیر



و هفته ها شکنجه شدند. رفیق علی اکبر صفایی فراهانی زیر شکنجه جان باخت و ۱۲ رفیق دیگر در ۲۶ اسفند ۴۹ تیرباران شدند. علی رغم این کشتار وحشیانه و دد منشی مزدوران شاه، مبارزه ادامه یافت. تیر از چله کمان رها شده و مبارزه مسلحانه تازه آغاز شده بود. سیاهکل پیام اصلی خود را به مبارزان و انقلابیون رساند. راه گشوده شده بود و زان پس بی شمارانی در این راه گام نهادند. سال ۵۰ مبارزات مسلحانه سازمان در شهر گسترش یافت. دستگاه امنیتی رژیم شاه بر تحرکات خود برای شناسایی و کشف واحد های چریکی افزود و سرکوب و بازداشت و شکنجه و کشتار رفقای ما را تشدید کرد. ده ها تن از اعضای سازمان در درگیری با مزدوران شاه به قتل رسیدند و ده ها تن دیگر به زندان افتاده و پس از شکنجه های وحشیانه تیرباران شدند. رفیق مسعود احمد زاده و ۶ رفیق دیگر پس از شکنجه های وحشیانه در ۱۱ اسفند سال ۵۰ تیرباران شدند. ۲۲ اسفند همین سال رفیق علیرضا نابدل و ۸ رفیق دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند. در این سال و سال ۵۲ خسارات بزرگ دیگری نیز بر سازمان وارد شد. ده ها

رفیق در درگیری ها جان باختند و یا پس از شکنجه وحشیانه در زندان، به دار آویخته شدند. رفیق امیر پرویز پویان رهبر برجسته سازمان و رفقا حسن نوروزی و اسکندر صادقی نژاد دو تن از کادرهای برجسته کارگری سازمان در همین سال از پای درآمدند.

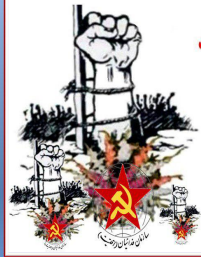
شاه و ساواک او بر این باور بودند که با وحشی گری و دستگیری های گسترده و اعمال شکنجه های وحشیانه در زندان و محاکمات قلابی و صدور و اجرای حکم اعدام، می توانند سازمان را نابود کنند و بدین منظور به هر جنایتی دست زدند. شمار دیگری از رفقا در درگیری جان باختند و شمار بیشتری به زندان افتادند. اگرچه ضربات وارد شده به سازمان سنگین بود، اما مبارزه ادامه داشت. هر رفیقی که به خاک افتاد، رفقای دیگری جای او را پر کردند. فدایی از مرگ نمی هراسید و وفاداری به آرمان های آزادی و سوسیالیسم و آرمان سرخ سازمان بود. در اثر این مبارزات، دلآوری ها و مقاومت قهرمانانه در زیر شکنجه های ساواک، استواری و آشتی ناپذیری در برابر دشمن، فداکاری و از خود گذشتگی و وفاداری به آرمان های کارگری و سوسیالیستی، سازمان نه فقط موقعیت خود را تثبیت کرد و اعتماد سیاسی به یک سازمان کمونیست جای بی اعتمادی قبلی را گرفت، بلکه اعتبار و نفوذ سیاسی سازمان به سرعت گسترش یافت. گروه گروه از زنان و مردان کمونیست به سازمان پیوستند و سازمان چریکهای فدایی خلق در مدت کوتاهی به یک سازمان قدرتمند شکست ناپذیر تبدیل شد.

اعتبار و نفوذ سیاسی، توانایی رزمی و تشکیلاتی سازمان و موقعیت بی همتایی که در عرصه مبارزه بدان دست یافته بود، شاه و رژیمش را به وحشت انداخت. ارتجاع سلطنتی آشکارا از جانب فدائیان احساس خطر می کرد. در همین رابطه ساواک، رفیق بیژن جزینی و ۶ تن دیگر از رفقا و یاران را که در زندان بسر می بردند، فروردین ۵۴ در تبه های اوین به رگیار بست. به دنبال آن یک رشته ضربه های سنگین جبران ناپذیر در همین سال و سال ۵۵ به سازمان وارد شد. طی این ضربات، ده ها تن اعضا و رهبران سازمان از جمله رهبر برجسته رفیق کبیر حمید اشرف در نبرد با دشمن از پای درآمدند.

ضربات سنگین و از دست دادن رفقا و رهبران اولیه سازمان اگرچه بسیار سخت و دردناک و بخشاً غیرقابل جبران بود، اما مبارزه ادامه داشت تا اینکه سرانجام رژیم سلطنتی بدست توده های وسیع مردم و قیام مسلحانه ۲۱ و ۲۱ بهمن سرنگون شد. در دوران رژیم شاه دست کم ۴۰۰ تن از رفقای قهرمان ما در راه آزادی و سوسیالیسم و در راه آرمان های طبقه کارگر جان باختند و چند هزار نفر نیز توسط ساواک شکنجه و به زندان کشیده شدند.

ارتجاع سلطنتی سرنگون شد، قدرت سیاسی اما بدست ارتجاع دیگری افتاد. جمهوری اسلامی که مقدم بر هر چیز وظیفه اش سرکوب و باز پس گیری تمام دستاوردهای انقلاب و به بند کشیدن مجدد توده های کارگر و زحمتکش بود، نمی

مرگ سپیده دیگری است تا
خونم پرچم سرخ کارگران باشد
در انقلاب روشن فردا!



۲۵ اسفند، روز فدائیان جانفشان،
روز شهیدگان زندگی در آزادی و
برابری گرامی باد!

توانست سازمان ما را که مورد استقبال وسیع کارگران، زنان، دانشجویان و عموم زحمتشان قرار گرفته و به بزرگ ترین سازمان چپ و کمونیست در خاورمیانه تبدیل شده بود تحمل کند. کشتار و بازداشت فدائیان از همان فردای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آغاز شد. در کردستان و سایر استان ها ده ها عضو و هوادار سازمان بازداشت و شکنجه شده و به قتل رسیدند. فروردین سال ۵۸ دشت ها و گندم زارهای ترکمن صحرا از خون سرخ توماچ و دیگر رهبران شوراهای ترکمن صحرا رنگین شد. در ظرف کمتر از یکسال بعد از قیام بهمین ۵۷، صدها تن از اعضا و هواداران سازمان بازداشت و زندانی شده یا به قتل رسیدند.

با انشعاب اکثریت، بزرگترین ضربه به سازمان چریک های فدایی خلق ایران وارد شد. پیوستن جناح خائن اکثریت به اردوی ضد انقلاب و حمایت از ارتجاع اسلامی حاکم، توازن قوا را به نفع حاکمیت تغییر داد و جمهوری اسلامی حملات خود علیه جناح اقلیت و انقلابی سازمان را تشدید کرد. اقلیت که همپای مبارزه با ضد انقلاب و ارتجاع حاکم تازه به قدرت رسیده، از آرمان ها و اهداف آزادی خواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر دفاع می کرد، مورد هجوم همه جانبه جمهوری اسلامی و دستگاه امنیتی آن قرار گرفت. با همه های شدید ارتجاع اسلامی، ده ها تن دیگر از اعضا و هواداران سازمان فدائیان اقلیت که ادامه دهنده راستین اهداف و آرمان های برابری طلبانه بنیانگذاران سازمان بود، به قتل رسیدند یا به زندان افتادند. بهمین ۵۹ در نخستین میتینگ بزرگ سازمان، اقلیت یکی دیگر از کادرهای ورزیده کارگری خود جهانگیر قلعه میانندو آب (جهان) را از دست داد. در یورش های وحشیانه ضد انقلاب در سال ۶۰ صد ها رفیق فدایی بازداشت و زندانی و گروهی از رفقا در همان سال تیرباران شدند. رفیق سعید سلطان پور، شاعر سرخ و حنجره خونین سازمان، نماینده نامه نویس، هنرمند، عضو برجسته کانون نویسندگان ایران و عضو هیئت نویسندگان نشریه کار، جزء نخستین اعدامی های سال ۶۰ بود. باز داشت و کشتار فدائیان اقلیت در سال های بعد از آن نیز ادامه یافت و تا قتل عام سال ۶۷ دست کم ۱۰۰۰ (هزار) تن از اعضا و هواداران سازمان در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند. سال ۶۰ سال ضربه ای بزرگ به کمیته مرکزی و سازمان فدائیان اقلیت بود. رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) و رفیق محسن مدیر شانه چی به ترتیب در آذر و مهر سال ۶۰ در درگیری با مزدوران رژیم جان باختند. رفقا احمد غلامیان لنگرودی (هادی)، یدالله گل مژده (نظام) و رفیق محمدرضا بهکیش (کاظم) در اسفند سال ۶۰ و در صفحه ۴

درگرامیداشت یاد و خاطره جانفشاندگان سازمان " آن عاشقان شرزه، با شب نزیستند "

طی درگیری با مزدوران حکومتی جان باختند. رفیق منصور اسکندری (مهران) عضو دیگر کمیته مرکزی سازمان، آبان سال ۶۲ در زندان و زیر شکنجه جان داد. رفقا زهرا بهکیش (اشرف) و نفیسه ناصری (نسترن) دو عضو مشاور کمیته مرکزی نیز در سال ۶۲ و ۶۳ به جوخه اعدام سپرده شدند.

اگرچه در کنفرانس دوم سازمان (خرداد ۶۸) روز ۲۵ اسفند به طور سمبلیک به عنوان روز جانفشاندگان سازمان تعیین شد، کشتار و تیرباران رفقای ما به اسفند خلاصه نمی شود. از سال ۴۹ تا کنون روز و یا ماهی نیست که چند رفیق فدایی در دو نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی به خیل جانفشاندگان سازمان نپیوسته باشند. ده ها و صدها رفیق زن از نمونه مرضیه احمدی اسکویی، نسترن و لادن آل آقا، نسرين و سیمین پنجه شاهی، اعظم و زهت روحی آهنگران، نسرين و شهلا کعبی، منیژه طالبی، ده ها و صد ها کارگر پیشرو و مبارز از نمونه خیرالله حسونوند، مرتضی کریمی، لقمان مدائن، ده ها و صدها رفیق از نمونه احمد زبیرم ها، جعفر پنجه شاهی ها، نبی جدیدی ها، توکل اسدیان ها حمید مؤمنی ها و صد ها رفیق دیگر در صفوف سازمان برای آزادی و سوسیالیسم مبارزه نموده و در راه آرمان های کارگری و سوسیالیستی جانفشانده اند.

امروز هرکس با تاریخ جنبش کمونیستی ایران اندک آشنایی داشته باشد این واقعیت را نمیتواند انکار کند که سازمان ما با مبارزات خونین و مستمر و تا پای جان، با روحیه و اخلاق کمونیستی و تقدم منافع طبقه کارگر بر منافع شخصی، اعتبار و آبروی کمونیسم و کمونیست ها را که با سیاست ها و عملکرد حزب توده از میان رفته بود، دوباره باز سازی کرد. کمونیسم و فدایی مترادف هم شد. یاس و انفعال را فدایی از چهره جامعه سترد. فدایی نهال آرزو را در دل جوانان و زنان نشانده. فدایی بذر مبارزه و امید را در میان کارگران، دانشجویان و زحمتکشان افشاند و چه بسیار بذرهایی که جوانه زد، به گل نشست و بارور شد. با اتکا به همین جانفشانیها و مبارزات بی وقفه و تاپای جان صدها و هزارها رفیق فدایی است که سازمان اعتبار سیاسی خود را حفظ نموده و آن را تقویت نموده است. چه بسیار کسان و جریان هایی که تلاششان این بود فدائیان اقلیت نتوانند خود را بازسازی کنند، نتوانند از چنین اعتباری برخوردار شوند و نتوانند نقش مهمی در جنبش کمونیستی ایفا کنند. در سایه مبارزه و تلاش صدها و هزارها فدایی است که این آرزوها و نقشه ها نقش برآب شده است. درسایه همین مبارزات و قهرمانی هاست که سازمان فدائیان اقلیت از جهت سیاسی و ایدئولوژیک نیز توانست خود را ارتقا دهد. مشخصه سازمان فدائیان اقلیت فقط این نیست که محکم و استوار و بی تزلزل از سوسیالیسم و از منافع طبقه کارگر دفاع نموده و دفاع میکند، بلکه از لحاظ نظری و تئوریک نیز مواضع مارکسیستی خود را تقویت نموده است. تمام آن

بقیای نظرها های پوپولیستی و انحرافی که از گذشته ها می توانست کم و بیش با سخت جانی اینجا و آنجا مجال بروز پیدا کند، در پرتو ارتقای آگاهی و دانش مارکسیستی زنده و محو شده، یک برنامه کمونیستی و مجموعه ای از تاکتیک های منسجم پرولتاری و کمونیستی، قطب نمای حرکت سازمان است. هر سازمان و جریان سیاسی که فعالیت و حرکت می کند ممکن است مرتکب اشتباه هم بشود. یا ضعف و کمبود هایی نیز داشته باشد. استثنایی در این زمینه وجود ندارد. مهم اما موختن از اشتباهات و تلاش برای رفع کمبودهاست. سازمان ما مدام بنیان های نظری و تئوریک خود را تقویت نموده است. سوسیالیسم علمی راهنمای عمل سازمان ما است. سازمان فدائیان اقلیت در هیچ زمانی پرچم دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و پرچم دفاع از سوسیالیسم علمی در مقابل انواع سوسیالیسم های بورژوایی، خرده بورژوایی و غیر کارگری را بر زمین نگذاشته است. در راستای حفظ پاکیزگی بنیان های تئوریک و پاسداری از آن، سازمان ما با احزاب و سازمان های مدعی مارکسیسم به جدال بی گذشت نظری پرداخته است. سازمان فدائیان اقلیت وظیفه تخطی ناپذیر مبارزه با گرایش های انحرافی گوناگون منسوب به مارکسیسم را هرگز فراموش نکرده و در برابر اشاعه افکار، عقاید و ایده های بورژوایی و ارتجاعی در میان کارگران ایستاده و آن را افشا و منزوی ساخته است. سازمان فدائیان اقلیت در هرگام مبارزه علیه طبقه سرمایه دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، علیه هرگونه توهم پراکنی و پنداربافی "چپ" های لیبرال در مورد دموکراسی بورژوایی و مجلس مؤسسان و نیز علیه گرایش های انحلال طلبانه که سعی در مخدوش کردن استقلال طبقه کارگر داشته اند، مجدانه از استقلال طبقاتی طبقه کارگر دفاع نموده و در منفرد ساختن چنین نگرش هایی یک لحظه تردید نکرده است.

مبارزه با آلترناتیو سازی ها و بدیل های

بورژوایی و بورژوا - امپریالیستی، افشای بی امان نقشه ها و تصمیمات بورژوازی اپوزیسیون و نوکران دول امپریالیستی برای نفوذ در درون طبقه کارگر و انحراف مبارزات این طبقه و در نهایت سوار شدن بر جنبش طبقه کارگر، جنبه دیگری از فعالیت های سازمان فدائیان اقلیت بوده است. از یاد نبریم زمانی که بسیاری از به ظاهر چپ ها و کمونیست ها در جریان تحولات سال ۱۴۰۱ و مسائلی که در این رابطه در خارج از کشور بوجود آمد و با سر به درون قطب بورژوازی شیرجه رفتند، ساز مان محکم و یک تنه در برابر این گرایش و این خود باختگی ایستاد.

جدال نظری بر سر شورا و دفاع از حکومت شورایی در مقابل مجلس مؤسسان و انواع دیگر بدیل ها و جمهوری های بورژوایی، به عنوان یگانه آلترناتیو کارگری که می تواند انتقال به سوسیالیسم را به بی درد ترین شکلی عملی سازد، یکی دیگر از عرصه های مبارزات سیاسی نظری سازمان بوده است. بعد از بیش از ۳۰ سال تبلیغ و ترویج شوراها و حکومت شورایی و شعار کار نان آزادی، امروز مشکل بتوان کسی را پیدا کرد که خود را چپ و کمونیست بداند اما این شعار و حکومت شورایی را قبول نداشته باشد.

سازمان فدائیان اقلیت تمام این روند ها و پیشرفت ها را ثمره تلاش و مبارزه صدها و هزارها رفیق فدایی می داند که در راه آزادی و سوسیالیسم مبارزه کرده اند و انبوه عظیمی از این رفقا نیز در این راه جانفشانده اند. ستاره های سرخ فامی که در آسمان تیره درخشیدند و زمستان شکستند و رفتند. ما یکبار دیگر با این رفقا پیمان می بندیم برای دست یابی به آزادی و سوسیالیسم و برچیدن هرگونه ستم و استثمار، تا آخرین دم حیات، به مبارزه ادامه دهیم. نام و یاد این رفقا هرگز فراموش نمی شود و همواره زنده و جاوید خواهد ماند.

" می گفتی ای عزیز! " سترون شده ست خاک" / اینک ببین برابر چشم تو چیستند: / هرصبح و شب به غارت طوفان روند و باز/ باز، آخرین شقایق این باغ نیستند."

(از شعر "ان عاشقان شرزه" سروده شفیع کدکنی)

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

شماره یک سازمان چریک های فدائی خلق ایران شنبه ۱۹ اسفند ۵۷

کار

سر مقاله:
ضرورت انتشار نشریه

اینک که در روزهای مبارزه با رژیم پارتی است که در مبارزات انقلابی و در راه آزادی و سوسیالیسم ما با دشمنان و مأموران رژیم پارتی و با دشمنان و مأموران رژیم پارتی و با دشمنان و مأموران رژیم پارتی...

اجتماع پرشور مردم بزمزاره صدق

این اجتماع در امتداد بزم آران در روز جمعه ۱۳ اسفند ۵۷ در محل اجتماعات مردم بزمزاره صدق برگزار شد. در این اجتماع که با شرکت ده ها نفر از کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و فعالان سیاسی و فرهنگی برگزار شد، با شعارهای بلند و ترانه های حماسی و با شرکت هیئت منتهی الامر و هیئت منتهی الامر و هیئت منتهی الامر...

آغاز
چهل و ششمین
سال انتشار
نشریه کار

سندیکاها را بوجود آوریم اما
فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

جمهوری اسلامی در منگنه سه گزارش

اسفند، نتیجه یافته‌ها و تحقیقات یک ساله خود را با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی در جریان سرکوب جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» مرتکب «جنایت علیه بشریت» شده است، به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه داد.

به رغم اینکه هر کدام از این گزارش‌ها، یک نمای کلی از قتل و کشتار و جنایت و سرکوبگری جمهوری اسلامی را بازتاب می‌دهند، اما ویژگی محوری هر گزارش، متمرکز شدن روی بخش‌های معینی از اقدامات سرکوبگرانه رژیم در یک سال گذشته است.

جاوید رحمان، در گزارش جدید خود بار دیگر بر افزایش صدور و اجرای حکم اعدام در ایران اشاره کرده و با توجه به کوتاهی مقامات جمهوری اسلامی برای انجام تحقیقات «مستقل» و «شفاف» در موارد گوناگون نقض «حقوق بشر» در ایران از رویه سرکوبگرانه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرده است.

طبق گزارش جاوید رحمان، دستکم ۸۳۴ نفر در سال ۲۰۲۳ در جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند که در مقایسه با سال پیش‌تر از آن ۴۳ درصد افزایش داشته است. جاوید رحمان با اشاره به اعتراضات توده‌ای سال‌های گذشته، بویژه دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در نیمه دوم ۱۴۰۱ که به «بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های اجباری، شکنجه، اعدام‌های شتاب‌زده و نبود محاکمات عادلانه» منجر شد، وضعیت موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی را نگران‌کننده اعلام کرد. او در بخش دیگری از گزارش خود با اشاره به وضعیت زنان و دختران در ایران، به تلاش حکومت برای اعمال حجاب اجباری و تحمیل آن بر زنان پرداخته و با ابراز «تأسف» از وضعیت موجود بر نقض آشکار و ادامه دار حقوق زنان و دختران مدافع پوشش اختیاری توسط جمهوری اسلامی تأکید کرده است.

دو روز بعد از گزارش جاوید رحمان، عفو بین الملل نیز در آستانه روز جهانی زن، طی گزارشی درباره وضعیت زنان در ایران، مقامات جمهوری اسلامی را متهم کرد که برای اعمال قوانین سرکوبگرانه‌ی حجاب اجباری، «کارزار گسترده‌ای علیه زنان و کودکان به راه انداخته» است.

عفو بین الملل، که گزارش خود را بر اساس اسناد دادگاه و شهادت مصاحبه‌شوندگان در داخل ایران تهیه کرده است، جمهوری اسلامی را متهم کرده که با نظارت گسترده زنان در مکان‌های عمومی و اعمال مجازات‌های سنگین علیه زنان «بی‌حجاب»، سرکوب علنی آنان را شدت بخشیده است.

«توقیف خودروهای ده‌ها هزار زن به دلیل سرپیچی از قوانین حجاب اجباری توسط پلیس»، «بازرسی دائمی خودروی زنانی که پوشش اختیاری را برگزیده‌اند»، «محاكمه زنان به اتهام عدم رعایت حجاب اسلامی و محکومیت

آنان به اجرای حکم ضربات شلاق»، «جریمه نقدی» و «اجبار به شرکت در کلاس‌های ارشاد اخلاقی» از جمله اقدامات سرکوبگرانه‌ای هستند که عفو بین الملل در گزارش اخیر خود به آن اشاره کرده است.

عفو بین الملل، با توجه به دامنه گسترده کارزار سرکوب زنان، اعلام کرده: پلیس امنیت اخلاقی، پلیس راهنمایی و رانندگی، دادرها، دادگاه‌ها، وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و حتی بعضی نیروهای لباس شخصی و بسیج، از جمله نهادهایی هستند که به عنوان «مجریان قوانین تحقیرآمیز حجاب اجباری» برای سرکوب زنان معرفی شده‌اند.

اما، مهمتر از دو گزارش فوق، گزارش «کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل» است که روز جمعه ۱۸ اسفند انتشار یافت. این کمیته، در نخستین گزارش خود گفته است، جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات جنبش انقلابی نیمه دوم سال قبل، با «موارد جدی نقض حقوق بشر»، از جمله با اعمال «خشونت و تعقیب و آزار جنسی و جنسیتی»، «توسل به قوای قهریه، دستگیری و بازداشت، فضای مجازی و اقدامات قضایی در رابطه با اعتراضات» مرتکب «جنایت علیه بشریت» شده است.

کمیسیون صلح و رسای در سال ۱۹۱۹ در مورد اینکه چه اقداماتی در شمول «جنایت علیه بشریت» قرار دارد، به صراحت اعلام کرد: قتل، کشتار، تروریسم برنامه‌ریزی شده، کشتن گروگان‌ها، شکنجه و گرسنگی دادن تعمدی شهروندان، تجاوز، ربودن دختران و زنان به منظور وادار کردن آنان به تن فروشی، تبعید مردم غیر نظامی، نگاه داری شهروندان در شرایط غیر انسانی، وادارکردن شهروندان به کار اجباری و مواردی از این دست از جمله اقداماتی هستند که در شمول «جنایت علیه بشریت» قرار دارند.

گسترده‌گی جنبش «زن، زندگی، آزادی» و حضور پیش‌تازانه زنان دلاور ایران در جنبش اعتراضی سال گذشته که جهان را به تحسین و تحیر واداشت، آنچنان جمهوری اسلامی را وحشتزده کرد، که خامنه‌ای با «اغتشاش» خواندن این جنبش توده‌ای، دستور کشتار و سرکوب و تجاوز و شکنجه و بگیر و ببند شدید معترضان را صادر کرد. شدت سرکوب معترضان خیابانی، بویژه سرکوب زنان و دختران جوان از یک طرف و تأثیر فراگیر دلاوری‌های زنان ایران بر افکار عمومی جهان و جهانیان، سازمان ملل و شورای حقوق بشر این سازمان را بر آن داشت تا با ایجاد «کمیته حقیقت‌یاب» در باره جنایات جمهوری اسلامی تحقیق کند.

این کمیته روز سوم آذر ۱۴۰۱ به منظور راستی‌آزمایی و حقیقت‌یابی در باره کشتار و سرکوب شدید معترضان خیابانی بعد از قتل حکومتی «مهسا امینی» تشکیل شد و اکنون گزارش ۲۱ صفحه‌ای آن، شامل یافته‌هایی است که با مرگ

«مهسا امینی» در ۲۵ شهریور سال قبل شروع و سپس با بررسی موارد عدیده‌ای از سرکوب و تجاوز و شکنجه و کشتارهای خیابانی، بویژه در رابطه با زنان و کودکان در یک سال گذشته دنبال شده است. این یافته‌ها که روز جمعه ۱۸ اسفند در همزمانی با روز جهانی زن به «شورای حقوق بشر سازمان ملل» ارائه شد، در نخستین بند خود که به مرگ «مهسا امینی» اختصاص دارد، پلیس را عامل قتل او معرفی کرده و با تأکید بر اینکه کمیته «متقاعد» گشته که «خشونت فیزیکی منجر به مرگ» مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد تهران شده است با صراحت، «حکومت [ایران را] مسئول مرگ غیر قانونی» مهسا امینی معرفی کرده است.

اعمال «شکنجه» به منظور «اخذ اعترافات اجباری، کسب اطلاعات، مجازات، ارباب، تحقیر...» از دیگر موارد ثبت شده در گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل است، که «مقامات دولتی ایران» به منظور ایجاد ارباب و وحشت در جامعه «عمدا» به انجام اینگونه اقدامات متوسل شده‌اند.

طبق تحقیقات این کمیته، از شهریور سال گذشته - شروع جنبش «زن، زندگی، آزادی» - تا شهریور ماه سال جاری، تعداد ۵۵۱ نفر از معترضان، از جمله ۴۹ زن و ۳۸ کودک توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند. این کمیته احتمال داده که «تعداد افراد بازداشت شده در اعتراضات هم به ۶۰ هزار نفر» رسیده باشد که «میانگین سنی دستگیرشدگان ۱۵ سال» گزارش شده است. کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل تأکید کرده «بسیاری از موارد جدی نقض حقوق بشر که در گزارش حاضر تصریح شده» است، از جمله «تبعیض علیه زنان»، جملگی مصداق بارز «جنایت علیه بشریت» است.

ذکر تمام موارد یاد شده در گزارش «کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل» در این نوشتار ممکن نیست و به ناچار باید به همین مقدار از یافته‌های این کمیته بسنده کرد. اما واکنش جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟

جمهوری اسلامی سال‌هاست با گزارشاتی از نوع گزارش «گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران» و عفو بین‌المواجه است و تاکنون به هیچ‌کدام از موارد اتهامی ذکر شده در اینگونه گزارشات هم کمترین وقعی نگذاشته است. دلیل این امر هم کاملاً روشن است. نخست اینکه جمهوری اسلامی در موضوع «نقض حقوق بشر» و «سرکوب زنان»، آنچنان آبرو باخته است که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد تا بخواهد برای حفظ ظاهر خود هم که شده در مقابل نهادهای بین‌المللی حقوق بشری گرنش کند. دوم اینکه این نهادهای حقوق بشری فاقد قدرت اجرایی هستند و کارشان در حد همین گزارش‌دهی از وضعیت نابسامان «حقوق بشر» در ایران و در نهایت روشنگری در مورد ماهیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی است. سوم اینکه در پشت این نهادهای بین‌المللی حقوق

جمهوری اسلامی در منگنه سه گزارش

بشری، قدرتهای بزرگ جهانی قرار دارند که فعلا در حال ممانعت با جمهوری اسلامی هستند. و طبیعتا تا زمانی که سیاست آمریکا، اتحادیه اروپا و دیگر قدرت ها بزرگ سرمایه داری جهان بر پایه حفظ نظام جمهوری اسلامی می چرخد، هیئت حاکمه ایران نیز به صورت جدی نگران اینگونه گزارش ها نیست و نخواهد بود.

اما، گزارش عفو بین الملل با محوریت تشدید سرکوب زنان و گزارش جاوید رحمان با محوریت افزایش اعدام در ایران طی یک سال گذشته که با افزایش ۴۳ درصدی اعدام نسبت به سال قبل ترش به میزان ۸۳۴ نفر رسیده است، به روشنی نشان می دهد که جمهوری اسلامی تا چه حد نسبت به جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱ موضعی خصمانه و انتقام جویانه دارد. تا زمانی که این جنبش در ابعاد سراسری در کف خیابان ها جاری بود، جمهوری اسلامی به رغم کشتار و سرکوب بی رحمانه ای که در کف خیابان ها به راه انداخت، در پیشبرد مقوله اعدام نسبتا با احتیاط عمل می کرد. اما، با فروکش کردن جنبش و خالی شدن خیابان ها از مبارزات توده ای و نبردهای خیابانی، سرکوب زنان شدت گرفت و دامنه اعدام نیز گسترش یافت. همه این اقدامات سرکوبگرانه نیز در همان بازه زمانی تشکیل «کمیته حقیقت یاب سازمان ملل» تا به امروز اتفاق افتاده است. به واقع یا جمهوری اسلامی تصور نمی کرد که از طرف این کمیته به «جنایت علیه بشریت» متهم شود و یا اگر احتمال چنین گزارشی را می داد با آگاهی از اینکه در شرایط کنونی قدرت های جهانی اقدام خاصی علیه اش انجام نمی دهند، بی توجه به تصمیم یا گزارش آتی «کمیته حقیقت یاب سازمان ملل» به تشدید سرکوب زنان و گسترش صدور حکم اعدام و اجرای علنی یا مخفیانه آن در جامعه روی آورد.

سخنگوی وزرات خارجه جمهوری اسلامی در نخستین واکنش رسمی نسبت به گزارش «کمیته حقیقت یاب سازمان ملل» آنرا «مغرضانه» و فاقد «وجاهت قانونی» خواند.

اتهام «جنایت علیه بشریت» اگرچه اتهام سنگینی است و می تواند در آینده عواقب جدی برای جمهوری اسلامی داشته باشد، اما بنظر نمی رسد سازمان ملل و با شورای حقوق بشر این سازمان در شرایط کنونی بخواهند اقدام خاصی علیه جمهوری اسلامی انجام دهند. آنچه محتمل است، در شرایط کنونی آمریکا و دولت های بزرگ غربی از اتهام «جنایت علیه بشریت» به عنوان ابزار فشار موثری برای مهار جمهوری اسلامی سود خواهند برد. اما، همین دولت ها در شرایطی دیگر و در زمانی که منافع شان با سرنگونی جمهوری اسلامی گره بخورد، آنوقت اتهام «جنایت علیه بشریت» می تواند عواقب بسیار سنگینی برای هیئت حاکمه ایران داشته باشد.



شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

اعلامیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست:
جمهوری اسلامی در مضحکه
انتخاباتی شکست خورد

! مبارزه برای سرنگونی ادامه دارد!

سناریوی مهندسی شده "انتخابات" مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان با سد تجربه، آگاهی و هوشیاری کارگران و مردم آزاده ایران روبرو شد و شکست خورد. اکثریت قاطع مردم ایران که از فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و امواج بی در پی کشتار و قتل های دولتی به جان آمده اند در یک اقدام قاطع و شکوهمند سیاسی با یک نه بزرگ کلیه نقشه های سران رژیم، فرماندهان سپاه و نیروهای امنیتی برای کشتادن مردم به پای صندوق های رأی را ناکام گذاشتند. بنا به گزارش ها در استان تهران و در سایر استان ها اکثریت عظیم مردم در این نمایش انتخاباتی شرکت نکردند. در استان های کردستان، لرستان و سیستان و بلوچستان عدم شرکت مردم بسیار چشمگیرتر بوده است.

کارگران فولاد اهواز، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان مدتها قبل راه را نشان داده و اعلام کرده بودند که: "ما دیگه رأی نمی دهیم". همزمان با آن در عمل کمپین تبلیغی گسترده ای به پهنای جامعه ایران در کوچه و خیابان و ادارات و محلات کار، در اتوبوس، مترو و در شبکه های اجتماعی برای به شکست کشاندن این مضحکه انتخاباتی پیش رفت. از این رو شکست این نمایش انتخاباتی برای سران و کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی هم قابل پیش بینی بود. کارگران و فرودستان، زنانی که روزانه زیر تازیانه نظام آپارتاید جنسیتی قرار دارند، مردم آزاده ایران که طی شش سال گذشته خیزش های متعدد و یک جنبش عظیم سیاسی و انقلابی را تجربه کرده اند، مدتها است که نه تنها صندوق آراء، بلکه کلیت رژیم جمهوری اسلامی را آماج قرار داده اند. سران رژیم اسلامی هم می دانند که بیش از این نمی توانند مردم را با فریب و تهدید به پای صندوق های رأی بیاورند تا از این طریق مشروعیت انتخاباتی خودشان را به نمایش بگذارند. اکنون تنها کارکرد این نوع مضحکه های انتخاباتی یکدست کردن مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای و ارگانهای حکومتی برای حفظ ظرفیت های سرکوب است.

در چنین شرایطی برای در هم شکستن استراتژی تشدید سرکوب و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی داشتن یک استراتژی سوسیالیستی و انقلابی، سازمانیابی و شکل دادن به هژمونی طبقه کارگر در ابعاد سراسری برای پیشروی جنبش انقلابی جاری اهمیت عملی پیدا کرده است. شکست رژیم اسلامی در این نمایش انتخاباتی می تواند سکویی برای پیشروی مبارزه در راستای پاسخگویی به این نیازها باشد. جنبش کارگری ایران به رغم همه موانعی که سر راه دارد به پشتوانه تجارب اعتصابات، اعتراضات و مبارزات خود بویژه در یک دهه و نیم گذشته می تواند بر این موانع غلبه کند و سازمان یافته تر به میدان بیاید. حضور برجسته زنان در خیزش های توده ای و انقلابی و نقش آنان در اعتراضات سراسری معلمان و بازنشستگان و در جنبش دانشجویی بیانگر ظرفیت های بالای جنبش زنان در امر سازمانیابی است. جنبش دانشجویی نقش برجسته ای در زمینه سازمانیابی و همبستگی با دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی داشته است. مردم انقلابی کردستان با حضور خود در جنبش انقلابی سراسری بار دیگر نشان دادند که یک پای هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران هستند. گسترش و تحکیم پیوند این جنبش های پیشرو اجتماعی می تواند زمینه ساز تدارک اعتصابات سیاسی توده ای در سراسر ایران باشد. اعتصابات که توأم با راهپیمایی های خیابانی و تجمع های اعتراضی قادر هستند دستگاه سیاسی، اداری و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را فلج کنند. اعتصابات سیاسی توده ای که اعتصابات کارگری ستون فقرات آن را تشکیل دهد، می توانند انسجام صفوف نیروهای مسلح و سپاه پاسداران را در هم کوبد، شکاف درون صفوف این نیروها را عمیق تر کرده و نیروی سرکوب را زمین گیر کند و زمینه های سازمانیابی قیام و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورد. چپ انقلابی و کمونیست باید تمامی توان خود را در این راستا متمرکز کند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
چهاردهم اسفند ماه ۱۴۰۲ - چهارم مارس ۲۰۲۴

امضا: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست
کارگری - حکمیتست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)
و هسته اقلیت

چرا مذاکرات بر سر توقف جنگ در غزه به نتیجه نمی‌رسد؟

حماس به میانجی‌های مذاکرات گفته است درباره بازگشت ساکنان نوار غزه به شمال آن و تعداد فلسطینی‌های آزادشده چانه‌زنی نخواهد کرد، در حالی که اسرائیل این دو شرط را موانع اصلی می‌داند.

شبکه الجزیره پنج‌شنبه هفته گذشته گزارش داد که اسرائیل درخواست‌های حماس را برای آتش‌بس دائمی، خروج نظامیان اسرائیلی از نوار غزه و بازگشت بی‌قید و شرط آوارگان را رد کرده است. حماس بر تبدیل توقف عملیات جنگی به یک آتش‌بس پایدار اصرار کرده است.

دو درخواست دیگر حماس رفع محاصره غزه و آزادی شمار زیادی از زندانیان امنیتی فلسطینی است تا در برابر آن، دست‌کم گروهی از ۱۲۲ گروگان اسرائیلی باقی‌مانده در باریکه غزه را آزاد کند.

ابو زهری از رهبران حماس در گفت‌وگو با شبکه الجزیره اظهار داشت که ما از هر پیش‌نویس قطعنامه آتش‌بس که خواستار برقراری آتش‌بس بدون ربط دادن آن به شروط دیگر باشد حمایت می‌کنیم و امکان ندارد توافقی را بپذیریم که شامل تضمین برای توقف کامل تجاوزات دشمن و خروج نیروهای اشغالگر از نوار غزه و بازگشت آوارگان فلسطینی به خانه‌های خود نباشد.

این‌که هر دو طرف بر سر موضع خود ایستاده‌اند و هر بار مذاکرات بی‌نتیجه مانده است، در واقع علل اساسی‌تری دارد. هر دو طرف مذاکره از نظر سیاسی می‌خواهند موقعیت سیاسی منزلت خود را از طریق کسب امتیازات بیشتر بهبود بخشند. نتایج و دارو دسته صهیونیست‌های ارتودکس متحد او می‌خواهند با آزاد ساختن گروگان‌ها و در همان حال حفظ سلطه خود بر غزه لاف‌های مدتی نامعلوم، شکست امنیتی و بی‌اعتباری سیاسی خود را در داخل اسرائیل جبران کنند. گروه اسلام‌گرای حماس نیز که با ماجراجویی نظامی‌اش در آفرینش فاجعه غزه نقش داشت، نمی‌خواهد اکنون پای سندی را امضا کند که به معنای از دست رفتن غزه و پایان حاکمیت سیاسی این گروه باشد. برگ برنده حماس، گروگان‌هاست و حاضر نیست به‌سادگی آن را از دست بدهد. لذا تا زمانی که گروگان‌ها آزاد نشوند و قراردادی مبنی بر عقب‌نشینی نیروی نظامی اسرائیل و پایان یافتن اشغال غزه صورت نگیرد، حتی اگر یک آتش‌بس موقت هم در چند روز آینده برقرار گردد، آتش‌بس پایدار به سادگی رخ نخواهد داد.

و مرگ از گرسنگی و بیماری‌هایی هستیم که قابل‌پیشگیری هستند."

حتی دولت آمریکا نیز که همچنان حامی پیگیر رژیم اسرائیل است، زیر فشار افکار عمومی خواستار آتش‌بس موقت و کم‌رسانی به مردم غزه شده است. رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً گفت "ما در تلاشیم تا قرارداد میان اسرائیل و حماس به نتیجه برسد تا گروگان‌ها آزاد شوند و آتش‌بس فوری در غزه دست‌کم به مدت شش هفته آینده برقرار شود و ارسال کمک‌ها به نوار غزه شدت بگیرد."

با تمام این اوصاف، پس از آن همه جنایت رژیم اسرائیل، چرا این وحشی‌گری و نسل‌کشی متوقف نمی‌شود. مانع در کجاست؟ به رسم معمول، دو طرف درگیری یکدیگر را به کارشکنی متهم می‌کنند.

سخت‌گویی وزارت خارجه اسرائیل شروط حماس برای انعقاد توافقنامه آتش‌بس بشردوستانه در نوار غزه را ناممکن اعلام کرد و ادعا کرد که "رامحل در دست گروه حماس است، اما نمی‌خواهد به آن دست یابد. شروط غیرممکن است. حماس علاقه‌ای به آتش‌بس برای ماه رمضان ندارد. این گروه شروط نامعقولی مانند آتش‌بس و خروج فوری ارتش دارد که قابل‌اجرا نیست."

گروه اسلام‌گرای حماس اما می‌گوید: انعطاف لازم برای دستیابی به توافق را نشان داده است تا تجاوز به مردم فلسطین متوقف شود، اما اشغالگران همچنان از انجام وظایف خود طفره می‌روند.

گزارش‌های دقیق‌تر حاکی است که در جریان مذاکرات اخیر " اسرائیل خواستار آزادی تمامی گروگان‌ها در جریان یک آتش‌بس ۶ هفته‌ای بدون قید و شرط و محدودیت و همچنین آزادی اسرای نظامی قبل از آتش‌بس فراگیر است."

همچنین با بازگشت ساکنان نوار غزه به شمال این باریکه به‌ویژه افراد زیر ۴۵ سال موافق نیست و خواهان تنها بازگشت زنان و کودکان در ۳ مرحله است.

حماس اما خواستار عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی به خط تقسیم که با میانجی‌گران مشخص می‌شود، شده است. " اختلافاتی هم بر سر آزادی اسرای فلسطینی خواسته‌شده توسط حماس وجود دارد.

بنابراین، مذاکرات هفته گذشته که با میانجی‌گری دولت‌های مصر، قطر و آمریکا در قاهره برای دستیابی به آتش‌بس با اسرائیل صورت گرفت، به نتیجه‌ای نینجامید. هیئت حماس برای رایزنی با رهبران این گروه، قاهره را ترک کرد، اما ظاهراً قرار شد، مذاکرات در این هفته از سر گرفته شود.

در بیانیه این گروه آمده است: "اسرائیل تلاش‌ها برای رسیدن به توافقی را خنثی کرده است که در آن خواسته‌ها برای پایان دادن به تهاجم، عقب‌نشینی نیروهای خود و اجازه بازگشت فلسطینی‌های آواره به خانه‌هایشان، رد شده است."

آواره به‌ویژه زنان و کودکان را در معرض تهدیدی جدی قرار داده است. علاوه بر حملات نظامیان اسرائیل، هم‌روزه تعدادی از مردم غزه بر اثر بیماری و گرسنگی و کمبود تجهیزات پزشکی جان خود را از دست می‌دهند. سازمان ملل هشدار داده است، شرایط برای فلسطینیانی که در تلاش برای بقا در این باریکه هستند، به مرحله فحشی نزدیک شده است. زنان غزه در جریان این جنگ ویرانگر، بیشترین آسیب را دیده‌اند و از عواقب آن از جهات مختلف در رنجند.

بر طبق گزارش نهادهای وابسته به سازمان ملل، از آغاز تهاجم اسرائیل به غزه، تاکنون حدود یک‌میلیون زن و دختر فلسطینی آواره شده‌اند. آژانس امدادسانی به آوارگان فلسطینی (انروا) اعلام کرد تاکنون حدود ۹ هزار زن در جنگ غزه کشته شده‌اند. به‌طور متوسط هر روز ۶۳ زن در نوار غزه جان خود را از دست می‌دهند. گزارش‌های دیگر حاکی است که ۷۰ درصد تلفات غزه را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.

حدود سه هزار زن در جریان تهاجم اسرائیل همسران خود را از دست داده‌اند و به‌عنوان سرپرست خانواده در وضعیت حاد ناامنی غذایی قرار دارند. جمعیت بسیار کثیری از مادران، گرسنگی می‌کشند تا حداقل یک وعده غذا برای تغذیه فرزندان خود تأمین کنند.

گزارشگر سازمان ملل در امور خشونت علیه زنان، اعلام کرد که زنان غزه در معرض تهدید به تجاوز جنسی قرار دارند. وی از دریافت گزارش‌هایی درباره تجاوز و تهدید به تجاوز جنسی از سوی نیروهای اسرائیلی در جریان بازداشت خودسرانه زنان و دختران فلسطینی از نوار غزه خبر داد.

وضعیت فاجعه‌بار مردم غزه باگذشت هر روز، فاجعه‌بارتر می‌شود. اما در حالی که مردم غزه برای نجات از وضعیت فاجعه‌باری که تجاوز اسرائیل به بار آورده، لحظه‌شماری می‌کنند، مذاکراتی که قرار بود تا اول ماه رمضان به آتش‌بس بیانجامد، تا این لحظه هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.

تمام دولت‌ها و مردم کشورهای سراسر جهان از مدت‌ها پیش خواستار توقف جنگ شده‌اند. دبیر کل سازمان ملل متحد اخیراً بار دیگر خواستار آتش‌بس فوری انسانی در نوار غزه شد.

وی تصریح کرد: از شهادت‌های هولناکی که امروز از اعضای خانواده قربانیان جنگ غزه شنیدم که برخی از آن‌ها بیش از ۱۰۰ نفر از بستگان خود را از دست داده‌اند، عمیقاً متأثر شدم. وی افزود: این ترس و وحشت در غزه باید هم‌اکنون متوقف شود و نباید آتش‌بس انسانی به تعویق بیفتد.

وضعیت غزه چنان فاجعه‌بار است که وزیر خارجه بریتانیا نیز، که از متحدان اسرائیل است، هفته گذشته گفت:

"به اسرائیل باید نشان داد که صبرمان در حال تمام شدن است چراکه شاهد رنج شدید مردم غزه



بازنشستگان و ضرورت رزم مشترک

راهپیمایی شعار سر دادند: "تا حق خود نگیریم، طوفان بیایم کنیم".

در ماه‌های اخیر بازنشستگان نفت نیز بارها دست به تجمع اعتراضی زده‌اند. موضوعی که در این رابطه باید بر آن انگشت گذاشت، تجمعات اعتراضی مشترک شاغلان و بازنشستگان نفت بود که در پی تلاش دولت برای دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت شکل گرفت.

با تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی و برنامه‌های اقتصادی رژیم که همگی علیه کارگران و زحمتکشان هستند، سال به سال بر مردم زحمتکشی که به اعماق فقر فرو رفته‌اند افزوده می‌گردد، تا جایی که امروز اکثریت بسیار بزرگی از جامعه از بدبختی‌ترین حقوق انسانی خود محروم گشته‌اند. اعتراض به وضع موجود نه تنها مدام در حال افزایش است، بلکه شعارها نیز مدام رادیکال‌تر و سیاسی‌تر می‌شوند. در میان گروه‌های مختلف جامعه بویژه بازنشستگان در وضعیت معیشتی بسیار وخیمی قرار دارند.

هم اکنون ۷۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی حداقل‌بگیر هستند و ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند که قرار است حداقل مستمری بازنشستگان در سال آینده به حدود ۹ میلیون تومان برسد (البته در صورتی که ۳۰ سال سابقه کار داشته باشند). میانگین دریافتی بازنشستگان کشوری نیز در سال جاری برابر با ۱۱ میلیون و ۲۹۱ هزار تومان می‌باشد. قرار است در سال آینده نیز حداقل حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری به ۱۰ میلیون تومان برسد. در مجموع هم اکنون بیش از ۱۱ میلیون نفر بازنشسته و مستمری بگیر در کشور هستند که از این میان نزدیک به ۷ میلیون وابسته به سازمان تامین اجتماعی و حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر وابسته به سایر صندوق‌های بازنشستگی می‌باشند. صندوق بازنشستگی کشوری با بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، صندوق بازنشستگی لشگری با ۷۰۰ هزار نفر و صندوق بازنشستگی نفت با حدود ۲۵۰ هزار نفر از جمله صندوق‌های بزرگ بازنشستگی کشور در میان ۱۸ صندوق بازنشستگی کشور هستند.

در حالی ۷۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی و بخش بزرگی از دیگر صندوق‌های بازنشستگی حداقل‌بگیر هستند که خط فقر فاصله‌ی بسیار فاحشی با دریافتی حداقل‌بگیران و همچنین با متوسط دریافتی بازنشستگان دارد. به نحوی که مستمری حداقل‌بگیران حتی هزینه‌های خوردخوارک حداقلی آن‌ها را نیز پوشش نمی‌دهد تا چه رسد به هزینه‌های درمانی، سلامت، مسکن و غیره. براساس آخرین آمارهای اعلام شده از سوی نهادهای دولتی، نیمی از بازنشستگان تامین اجتماعی اجاره‌نشین هستند. در اثر سیاست‌های دولت، همچنین هزینه درمان بازنشستگان به شکل وحشتناکی افزایش یافته و به اعتراف رئیس تشکل دولتی "کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی تهران"، ۵۰۰ قلم دارو که عموماً پر مصرف هستند از لیست بیمه تامین اجتماعی حذف شده و بازنشستگان مجبورند

هزینه‌ی آن داروها را شخصاً بپردازند یا اساساً قید دارو و درمان را بزنند.

برای سال آینده نیز اگرچه حداقل حقوق بازنشستگان افزایش یافته است، اما از آنجایی که متوسط حقوق بازنشستگان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد، یکی از نتایج این سیاست افزایش تعداد بازنشستگانی است که حداقل‌بگیر هستند یا کمی بیش از حداقل حقوق دریافت می‌کنند. جمهوری اسلامی در حالی حداقل مستمری بازنشستگان را حدود ۹ تا ۱۰ میلیون تومان اعلام کرده است که هم اکنون خط فقر مطلق براساس معیارهای حداقلی بانک جهانی برای یک خانواده ۴ نفره بیش از ۱۵ میلیون تومان و خط فقر باز براساس معیارهای حداقلی بانک جهانی به ۵۰ میلیون تومان رسیده است. حتی رسانه‌ها و برخی از وابستگان به حکومت نیز خط فقر را بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان اعلام کرده‌اند، و البته این را هم فراموش نکنیم که با توجه به تورم سال آینده که احتمالاً از سال‌جاری نیز بیشتر خواهد بود، خط فقر در صورتی که نرخ تورم حدود ۵۰ درصد باشد، حتی براساس آمارها و ارقام مزدوران "خانه کارگر" که سبب معیشت را برای سال جاری ۲۸ میلیون تومان اعلام کرده‌اند، به ۴۲ میلیون تومان در پایان سال آینده خواهد رسید!

این آمار و ارقام به‌خوبی نشان می‌دهند که تا چه حد وضعیت معیشتی بازنشستگان بحرانی است و تا چه حد سیاست‌های جمهوری اسلامی از بودجه سالانه گرفته تا "برنامه ۵ ساله هفتم توسعه" در بحرانی شدن وضعیت معیشت بازنشستگان نقش داشته و یا خواهند داشت. بنابراین تنها یک نتیجه می‌توان از این موضوع گرفت و آن این است که جمهوری اسلامی به‌عنوان دشمن بازنشستگان، دشمن کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه باید سرنگون گردد و تا زمانی که بر سریر قدرت است نمی‌توان انتظار داشت وضعیت زندگی بازنشستگان و سایر زحمتکشان جامعه بهبود یابد.

در سال‌های گذشته بازنشستگان با مبارزات خود رژیم را حداقل در حرف مجبور به تن دادن به برخی از خواست‌های خود کردند و مقدار ناچیزی به‌نام "همسان‌سازی" به حقوق آن‌ها اضافه شد. سال ۹۹ (یکسال پس از قیام اَبان ۹۸) یکی از سال‌هایی‌ست که جنبش اعتراضی بازنشستگان از فراز خوبی برخوردار شد، آن‌هم در شرایطی که اپیدمی کرونا در ایران اوج گرفته بود. در آن شرایط بحرانی، بازنشستگان هر هفته در حداقل ۱۵ شهر و در سطحی گسترده وارد میدان مبارزه می‌شدند. به‌نحوی که تشکل دولتی "خانه‌کارگر" برای مهار جنبش بازنشستگان وارد میدان شد و از سوی دیگر حمله به تجمعات بازنشستگان در دستور کار قرار گرفت. در تجمعات سراسری ۱۷ اسفند آن سال که در حدود ۲۰ شهر صورت گرفت، در تهران نیروهای گارد ویژه به بازنشستگان حمله و تعدادی را دستگیر کردند. هم‌زمان "خانه کارگر" نیز با برگزاری تجمعی سعی کرده بود با مصادره برخی از شعارهای بازنشستگان در

صوفوف آن‌ها تفرقه ایجاد کند. حسن صادقی مزدور "خانه کارگر" همان زمان گفته بود: "امروز شرایط به گونه‌ای است که کارگران به خیابان می‌آیند و رسانه‌های معاند با موج سواری بر احساسات آن‌ها بازنشستگان را مخالف نظام نشان می‌دهند". او همچنین هشدار داده بود که اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی به دست "غیرخودی"‌ها و "نااهلان" افتاده است.

امروز شرایط زندگی بازنشستگان حتی بسیار بدتر از سال ۹۹ است. بازنشستگان راهی جز این ندارند که مبارزات‌شان از سال ۹۹ نیز بسیار فراتر رود. تجربه‌ی مبارزات سال‌های اخیر بویژه سال ۹۹ اتفاقاً تجربه‌ی بسیار مهمی است. این تجربه نشان می‌دهد که هر قدر بازنشستگان وسیع‌تر و متحدتر پا به میدان گذاشتند، هراس رژیم و مزدوران آن بیشتر شد و رژیم برای مقابله با گسترش بیشتر مبارزات بازنشستگان به تکیه افتاد. هم اکنون ۱۱ میلیون بازنشسته و مستمری بگیر در کشور هستند. تصور کنید تنها نیمی از آن‌ها وارد میدان شده و دست به اعتراض بزنند، آن‌گاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ کل بازنشستگان مخابرات حدود ۵۰ هزار نفر هستند، اما حضور موثر آن‌ها در اعتراضات دوشنبه شهرهای مختلف، اگرچه باز با رسیدن به حضور نیمی از بازنشستگان مخابرات فاصله زیادی دارد، اما چشمگیر است. اگر حتی همین درصد از مشارکت را در مورد بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری داشته باشیم، طبیعی‌ست که مبارزات و اعتراضات بازنشستگان منم‌تر ثمرتر خواهد بود.

یک موضوع مهم دیگر اتحاد بازنشستگان از صندوق‌های مختلف است. تجمعات اعتراضی مشترک بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری در چندین شهر یک نکته بسیار مثبت است که باید تقویت شود. بازنشستگان در این اعتراضات شعار اتحاد بازنشستگان صندوق‌های مختلف را نیز سر دادند. باز یک نکته مهم دیگر اتحاد و مبارزه مشترک بازنشستگان و شاغلین است که به‌نوعی در نفت دیدیم. این مواردی‌ست که باید وسیع‌تر و همگانی‌تر شوند و این بویژه بر عهده‌ی پیشروترین بخش بازنشستگان است. واقعیت این است که بازنشستگان یک نیروی بسیار مهم هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی هستند که چگونگی مبارزات‌شان می‌تواند تأثیرات مهمی از جمله بر مبارزات سایر زحمتکشان جامعه برجای بگذارد.

وقتی هم که از وظیفه‌ی پیشروترین بخش بازنشستگان گفته می‌شود، باید بویژه بر اتحاد بازنشستگان و لزوم ایجاد تشکل و یا تشکلاتی که بتوانند در کنار هم فعالیت کرده و بازنشستگان را متحد و به خیابان بکشاند بسیار مهم و حیاتی است. شاید در شرایط کنونی ایجاد یک تشکل سراسری علنی امکان‌پذیر نباشد، اما با کار در میان بازنشستگان و نزدیکی تشکل‌های موجود و تلفیق کار مخفی و علنی می‌توان به‌نوعی جای خالی یک تشکل سراسری را تا حدی پر کرد تا در شرایطی مناسب (برای نمونه زمانی که اعتصابات سراسری شکل گرفت) بتوان یک تشکل سراسری علنی ایجاد کرد.

هیچ‌کدام از ما سخنان مخبر معاون اول رئیسی را



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درباره کنفدراسیون کار

ایجاد "کنفدراسیون کار - خارج کشور" برای گرفتن نمایندگی طبقه کارگر ایران در نهادهای بین المللی بحث‌های گسترده‌ای را در داخل و خارج کشور دامن زده است. زیرا کنفدراسیون نه تنها خود را تشکل سراسری کارگران ایران نمی‌داند بلکه حتی ادعا ندارد که با اطلاع و موافقت فعالین و تشکلهای فی الحال موجود و قابل دسترس کارگری در ایران ایجاد شده است. از ۲۴ فوریه تا کنون ۴ نفر از ۱۵ نفر موسسین این کنفدراسیون از آن جدا شده‌اند. از نظر این جدا شدگان تعداد آشنایان به مسائل کارگری در میان موسسین کنفدراسیون کمتر از انگشتان یک دست است. فراتر از انتقادات و سئوالات گسترده‌ای که در داخل و خارج کشور به چگونگی ایجاد این کنفدراسیون تا کنون طرح شده، این اقدام را باید در دل اوضاع متحول ایران بررسی کرد.

با فروکش موقتی جنبش انقلابی ۱۴۰۱ حتی جریانات دست راستی نیز به نقش و اهمیت بی بدیل مبارزات طبقه کارگر در هر نوع تحول اساسی در جامعه ایران پی برده‌اند و برای یارگیری در جنبش کارگری دست به کار شده‌اند. جنبش کارگری یک دست نیست و دارای گرایش‌های متفاوت است. موقعیت و قدرت گرایش‌های مختلف سیاسی و فکری در جنبش کارگری در تعیین نوع نظام سیاسی اقتصادی پس از رژیم اسلامی اهمیت حیاتی دارد. از نظر سوسیالیست‌ها سرنوشتی انقلابی رژیم اسلامی و در عین حال گذر از نظام مدافع صاحبان صنایع و سرمایه در گرو قدرت و انسجام سوسیالیست‌ها و تقویت جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری است که تبلور آن در سمت‌گیری تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگری بازتاب می‌یابد.

بی‌اعتنایی گسترده مردم به نمایش انتخاباتی ۱۱ اسفند، تحولات ایران را بیش از پیش به سمت یک انقلاب اجتماعی سوق داده و مانند انقلاب ۵۷ سوال اساسی و فوری تمام جریانات مدافع نظام سرمایه‌داری این است که چگونه باید با سوسیالیست‌ها و یک جنبش کارگری که سوسیالیست‌ها در آن دست بالا را دارند، مقابله کرد. از نظر شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، در دل اوضاع متحول کنونی که پای منافع طبقه کارگر در سطح کلان در میان است، معیار ارزیابی تمام فعالیت‌های معطوف به جنبش کارگری و از جمله تشکیل کنفدراسیون، نقش و تأثیرش بر اتحاد و انسجام گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری و تبلور آن در ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگری است. ما ایجاد کنفدراسیون را که فراسر کارگران و از بالا شکل گرفته یک پروژه سیاسی در راستای تقویت گرایش رفرمیست - راست در جنبش کارگری می‌دانیم. از نظر ما کمبودها و انتقادات مطرح شده از جمله از طرف جداشدگان از کنفدراسیون از ماهیت رفرمیست - راست این کنفدراسیون ناشی می‌شود نه در اثر اشتباه و غفلت در گفته و عملکرد این یا آن عضو موسس آن.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
هجدهم اسفند ماه ۱۴۰۲ - هشتم مارس ۲۰۲۴

امضا: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

در صفحه ۸

بازنشستگان و ضرورت رزم مشترک

اسلامی در عمل به اجرا درآورده است. بازنشستگان به‌خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی دشمن انسانیت، دشمن بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه است. برای رهایی از زیر این ستم تنها راه سرنوشتی جمهوری اسلامی، نابودی نظم حاکم و برقراری حکومت شورایی است. مبارزات بازنشستگان، فراگیرتر شدن آن و گسترش آن با رزم مشترک بازنشستگان و شاغلان، می‌تواند در فراهم ساختن زمینه‌های سرنوشتی رژیم نقش ایفا کند.

فراموش نکرده‌ایم که گفته بود: "بازنشستگان فقط مصرف کننده هستند و هیچ‌گونه سود یا مزایایی برای دولت ندارند، افزایش حقوق آن‌ها فقط بار مالی دولت را بالا می‌برد و از طرف دیگر سایر صنوف هم برای افزایش حقوق خود به خیابان‌ها می‌آیند و این نباید به یک روش برای زیاده‌خواهی تبدیل شود". اگرچه بعد از انعکاس وسیع سخنان وی، جمهوری اسلامی سعی کرد آن را تکذیب کند، اما سیاست‌های جمهوری اسلامی بویژه در سه سال اخیر نشان داد که سخنان وی تأیید همان چیزی است که جمهوری

گزارشی از برگزاری تجمع و راهپیمایی ۸ مارس روز جهانی زن در آمستردام - هلند



امسال ۸ مارس روز جهانی زن توسط کمیته برگزار کننده، متشکل از سازمانهای هلندی و خارجی در شهر آمستردام برگزار گردید. فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند و حزب کمونیست ایران - هلند و بخشی از نیروهای چپ انقلابی و کمونیست در هلند به این مناسبت فراخوان مشترک دادند و در این تجمع و راهپیمایی شرکت داشتند. مراسم با تجمع در میدان دام با خواندن پیام کمیته برگزار کننده آغاز شد. صدها نفر بخصوص جوانان زن در مراسم شرکت داشتند. گروهی از جوانان زن با مارش موزیک و اجرای گروهی طبل (دهل) شوری به تجمع و راهپیمایی داده بودند.



راهپیمایی از میدان دام تا محل Buurthuis Lydia از مسیر چندین خیابان ادامه داشت که در مسیر راهپیمایی با استقبال رهگذران همراه بود. هم چنین شعارهایی علیه سرمایه داری و خشونت علیه زنان و حمایت از مردم فلسطین در غزه علیه اسرائیل داده شد.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

بازنشستگان و ضرورت رزم مشترک

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1061 March 2024

آن‌ها تا دستگیری و به زندان انداختن بازنشستگان، از تلاش تشکل دولتی خانه کارگر برای مهار مبارزات بازنشستگان تا وعده وعیدهای رژیم در مورد همسان‌سازی که با فریب‌کاری رژیم همراه شد، و بازنشستگان خواستار اجرای "همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی" شدند.

در هفته‌ای که گذشت جدا از دوشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان مخابرات، و یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی، در روز سه‌شنبه در برخی از شهرها از جمله اهواز، کرمانشاه و یزد، بازنشستگان تامین اجتماعی با بازنشستگان کشوری همراه شده و دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری در تجمعات اعتراضی خود شعارهایی همچون: "وعده می‌دین، عمل کو؟ زالوهای دروغگو"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودارمان"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "حقتو فریاد بزن، افتاده دست راهزن"، "دولت انتصابی، دروغ می‌گه حسابی"، اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" و "لشگری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد"، سردادند. در کرمانشاه نیز بازنشستگان مخابرات ضمن

در صفحه ۸

تجمعات و تظاهرات اعتراضی بازنشستگان حداقل سه روز در هفته همچنان ادامه دارد. جنبش اعتراضی مستقل بازنشستگان که با برگزاری تجمعات سراسری بویژه از سال ۹۹ وارد فاز جدیدی شد، در طول بیش از یک دهه‌ی اخیر با فراز و نشیب‌هایی حتا در سال‌هایی که اپیدمی کرونا بر زندگی توده‌های مردم سایه افکنده بود، همواره ادامه داشته است. گرچه تجمعات و تظاهرات اعتراضی بازنشستگان حول خواست‌های معیشتی از جمله خواست اجرای کامل قانون خدمات کشوری و همسان‌سازی حقوق با شاغلین پا گرفت، اما عدم پاسخگویی رژیم و وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی بازنشستگان - بویژه در سه سال اخیر - باعث گردید تا مبارزات و شعارهای بازنشستگان رادیکال‌تر شده و رنگ سیاسی به‌خود بگیرد. بدون تردید شرایط انقلابی حاکم بر جامعه نیز در رادیکال‌تر شدن و سیاسی‌تر شدن شعارها و مبارزات بازنشستگان نقش داشته است.

جنبش اعتراضی بازنشستگان در طول این سال‌ها با تداوم خود که بیش از هر چیز نتیجه‌ی فداکاری بخش پیشروتر بازنشستگان است، به یک چالش مهم سیاسی برای رژیم تبدیل شد و موجب واکنش‌های متعدد و حتا متضادی از سوی رژیم گردید. از حمله به تجمعات و ضرب و شتم



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی